

سعید توکلی (وکیل پایه یک دادگستری)

قسمت پایانی

« افترا و توهین در حقوق کیفری ایران »

روش کار علم انسان و مطا

انجام عمل) را برای تحقق جرم کافی ندانسته و سوء نیت خاص را نیز لازم دانسته است.

بند ۳. قصد متهم نمودن غیر: در اینجا مقنن بر خلاف جرم افترای مذکور در ماده (۶۹۷)، سوء نیت خاص یا همان خواست نتیجه را از جمله شرایط تحقق جرم افترای عملی دانسته و لذا زمانی جرم تحقق پیدا می کند که مرتکب بخواهد با این عمل دیگری را متهم نماید. لذا اگر کسی صرفاً برای فرار از تعقیب مأمورین انتظامی، شیئی را که از جرم حاصل نموده است در جیب و یا در میان اثاثیه دیگری بگذارد تا به فرض بعداً دوباره آن را بردارد، لکن قبل از اینکه موفق به انجام این کار شود موضوع کشف گردد، در این مورد به علت فقدان عمد خاص در متهم نمودن شخص مقابل، مشمول این ماده نخواهد شد.

گفتار چهارم: مجازات

شرایط لازم برای تعقیب مفتری عملی به شرح ذیل است:

گفتار سوم: عنصر روانی

طبق نص صریح ماده (۶۹۹)، جرم افترای عملی از جمله جرایم عمدی است که "عالماتاً" عمدتاً به قصد متهم نمودن غیر، ارتکاب می یابد.

اجزای عنصر روانی جرم

بند ۱. علم: منظور از علم مذکور در قانون، علم و آگاهی و معرفت به دروغ بودن اسناد و آگاهی وی از بیگناهی مفتری علیه است؛ لکن در این مورد مقنن علم مفتری به دروغ بودن اسناد را کافی ندانسته، بلکه صریحاً لزوم سوء نیت عام و خاص را برای تحقق جرم متذکر شده است.

بند ۲. عمد (سوء نیت عام): یکی دیگر از شرایط تحقق عنصر روانی جرم افترا، خواست انجام عمل یا همان سوء نیت عام است. بنابراین، عمد در گذاشتن و مخفی کردن برای تحقق جرم ضرورت دارد، لکن مقنن در ماده (۶۹۹) تنها سوء نیت عام (خواستن

بند ۱. تحت تعقیب قرار گرفتن مفتری علیه:

یکی از شروط اصلی افترای عملی این است که در اثر عمل مرتکب، شخص طرف افترا تحت تعقیب جزایی واقع شود. پس اگر توطئه مرتکب قبل از آنکه طرف افترا (مفتری علیه) مورد تعقیب قرار گیرد، کشف شود یا در صورتی که قبلاً جرمی ارتکاب شده، مجرم اصلی معلوم گردد و موجبات تعقیب افترا فراهم نشود یا اساساً جرم قبلی به یکی از علل قانونی از قبیل عفو عمومی یا مرور زمان و نظایر آن غیر قابل تعقیب گردد و موردی برای تعقیب طرف افترا نماند، مورد مشمول ماده (۶۹۹) نخواهد بود و شخص مرتکب، مجازات نخواهد شد.

بند ۲. ثبوت برائت مفتری علیه:

برای تحقق مجازات افترای عملی لازم است که مفتری علیه تبرئه شود. آنچه واضح است اینکه اصل برائت در مورد شخص مفتری علیه مجری نخواهد بود و اصل مجرم بودن اوست مگر آنکه خلاف آن ثابت شود؛ که این خود از جمله موارد خلاف اصل برائت است. چرا که در کلیه موارد، اصل برائت است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. لکن در این جرم، اصل مجرم بودن مفتری علیه است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. در جرم افترای عملی، بر عکس، مفتری علیه موظف بر اثبات بی گناهی خود است. پس با تحت تعقیب قرار گرفتن مفتری علیه، بر اوست که خلاف ظاهر را اثبات کند. اگر شک و شبهه ایجاد شود که آلت یا شیئی پیدا شده متعلق به شخص مفتری علیه نیست، در این مورد بر اساس قاعده "درء" از وی رفع مجازات می شود. پس اگر قرائن و اماراتی وجود داشت که مفتری علیه راست می گوید و انتساب جرم به او مورد شک و شبهه واقع شد، دیگر اعمال مجازات صحیح نمی باشد.

میزان مجازات:

در قانون مجازات عمومی سابق، مجازات مرتکب افترا به فعل بستگی به درجه سوءنیت او داشت؛ چرا که بند (الف) ماده (۲۶۹) مکرران قانون، بین قصد متهم ساختن به ارتکاب جنحه و قصد متهم ساختن به ارتکاب جنایت تفاوت قایل شده بود و مجازات مقرر برای هر یک متفاوت بود. اما در حال حاضر با عنایت به حذف تقسیم بندی جرایم به جنحه و جنایت، قانونگذار جزایی در ماده (۶۹۹) چنین مقرر داشته است:

"... مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود"
لذا مجازات مرتکب افترای عملی، شش ماه تا سه سال حبس و یا تا هفتاد و چهار ضربه شلاق حسب مورد با دادگاه رسیدگی کننده خواهد بود.

مبحث دوم: توهین

توهین از نظر لغوی مترادف با اهانت بوده که هر دو از کلمه "وهن" گرفته شده است و توهین برای سستی وضع شده است و سست گردانیدن را توهین گویند و از نظر اصطلاحی و حقوقی نیز توهین را در معنای عرفی آن به کار برده اند و آن را عبارت از "هر فعل یا ترک فعل اعم از گفتار، کردار، کتابت و اشاره که به نحوی از انحاء در حیثیت و شرافت متضرر از جرم وهن و سستی وارد آورد."^(۱) دانسته اند.

فحش و ناسزا گفتن در لغت به معنی خارج شدن از حد اعتدال در گفتار است و در اصطلاح به هر کلام زشتی اطلاق می شود که برای تحقیر و کسر شأن طرف مقابل و خوار کردن و سست کردن به کار برده می شود.^(۲)

به علاوه، توهین به طور کلی شامل افترا نیز می شود. به طوری که توهین به صورت اسناد جرم به وسایل معینی بروز می کند. توهین در معنی اخص عبارت است از نسبت دادن هر امر وهن آور اعم از دروغ یا راست به هر وسیله و طریقه ای که باشد یا انجام دادن هر فعل یا ترک فعل که از نظر عرف و عادت موجب کسر شأن و یا پست شدن طرف شود.

فصل اول: اقسام توهین

الف) توهین از نظر فقهی:

آنچه از طرف شارع مقدس در خصوص آداب معاشرت در جامعه انسانی مورد تأکید قرار گرفته، به کار بردن کلام نیک و پاک و احترام به یکدیگر می باشد؛ و سر پیچی از این دستور که موجب اهانت به دیگری می شود، حرام و گناه محسوب می شود و مرتکب آن مستحق مجازات است. "لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و كان الله سمیعاً علیماً"^(۳)

(خداوند دوست ندارد که کسی به گفتار زشت به عیب خلق صدا بلند کند مگر آنکه ظلمی به او رسیده باشد...) و همچنین در سنت و احادیث زیادی سب مؤمن و دشنام و توهین به مؤمن را مذموم و قابل مجازات دانسته است.

چنان که در خبر ابی بصیر از حضرت رسول (ص) آمده است "سباب المؤمن فسوق"^(۴)

از حضرت صادق (علیه السلام) سؤال شد، در مورد مردی که مرد دیگر را به غیر از مورد قذف سب کرده بود، که حضرت در پاسخ می فرماید: تعزیر می شود. همچنین در مورد کسی که به دیگری بگوید "ای فاسق"، باز حضرت در جواب فرمودند: حد نمی خورد ولی تعزیر می شود.^(۵)

"وکل تعریض بما یکرهه المواجهه و لم یوضع للقذف لغه و لا عرفاً یثبت به التعزیر لا الحد"

یعنی هر تعریضی که موجب کراهت طرف مقابل می شود و از نظر لغت و عرف برای آن معنی قذف وضع نشده باشد، موجب تعزیر می شود و برای آن حد ثابت نمی شود.^(۶)

بنا به گفته صاحب جواهر، اجماع فقهای امامیه بر این است که در مواردی که به واسطه گفته ای موجب ناخوشایندی طرف مقابل فراهم می شود و عمل از نظر عرف و لغت قذف نباشد، ارتکاب عمل موجب تعزیر می شود و حد ندارد و بنا به گفته ای در میان فقهای امامیه خلاقی در این مورد یافت نشده است.^(۷)

همچنین شهید ثانی در "شرح لعمه" چنین می فرماید:

"در مواردی مثل اینکه شخصی به دیگری بگوید ولد حرام، در این موارد عرفاً اقتضای انتساب زنا را ندارد یا در مواردی که به شخص مقابل چیزی بگوید که موجب کراهت و ناخوشایندی او گردد مثل اینکه بگوید حقیر یا سگ یا خوک، یا بگوید ای فاسق یا ای شارب خمر و امثال اینها، موجب تعزیر مرتکب می شود."^(۸)

همچنین در حقوق اسلامی، توهین و دشنام دادن به پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) تحت عنوان "سب النبی" پیش بینی گردیده است که به جهت خارج بودن آن از حوصله این مقال از ذکر آن خودداری می شود.^(۹)

ب) توهین در قانون کیفری ایران

توهین به طور کلی به اعتبار شخصیت طرف جرم و یا وسیله ارتکاب جرم، به توهین "ساده" و توهین "مشدد" و توهین "به وسیله مطبوعات" قابل تقسیم است.

احکام ناظر به توهین و فحاشی در گذشته در مواد (۸۱ و ۱۶۲ و ۱۶۴ و ۲۷۲) قانون مجازات عمومی و آیین نامه امور خلاقی مصوب ۱۳۲۴ و ماده (۲۰) قانون استقلال کانون و کلاء و مواد (۱۷ تا ۳۱) لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ و ماده (۳) لایحه قانونی مجازات حمل جاقو و انواع اسلحه مصوب ۱۳۳۱ و ماده (۳۳۴) قانون آیین دادرسی و کیفر ارتش، پیش بینی شده بود.

قانونگذار جزایی فعلی ایران، در فصل سوم و پانزدهم تحت عنوان (هتک حرمت اشخاص) و (سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی) طی مواد (۶۰۸، ۶۰۹، ۵۱۷ و ۵۱۴) بعضی از احکام ناظر به توهین و فحاشی ساده و مشدد را مورد تجدید نظر قرار داده و برای توهین و فحاشی مجازات شلاق و جزای نقدی را جانشین حبس تأدیبی سابق نموده است و هتک حرمت به وسیله مطبوعات مصوب سال ۱۳۵۸ و همچنین قانون مطبوعات ۱۳۶۴، مورد تجدید نظر قرار گرفته است.

گفتار اول) توهین ساده

به موجب ماده (۶۰۸) قانون مجازات اسلامی: "توهین به افراد از

قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد، به مجازات شلاق تا هفتاد و چهار ضربه و یا پنجاه هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود."

الف) عنصر قانونی:

کلمه "توهین" دارای مفهوم کلی بوده و نظرها در تشخیص آن مختلف است؛ چرا که ممکن است امری از نظر گروهی اهانت و توهین محسوب شود، ولی به نظر دیگران اهانت نباشد و به همین دلیل باید در مسائل جزایی، موضوع حکم و خصوصیات آن روشن و مدلل باشد. لذا محکومیت برای توهین بدون ذکر خصوصیات آن صحیح نخواهد بود.^(۱۰)

اما ذکر کلمه "فحش" در متن قانون، از نظر لغوی عبارت است از شتم کردن و در گذشتن از حد اعتدال و در اصطلاح عرفی، هر کلام زشت و رکیک و قبیح مخصوصاً اگر برای تحقیر و بی حرمتی باشد، فحش نامیده می شود. البته ممکن است لفظ یا رفتاری توهین محسوب شود در حالی که دشنام یا فحش نباشد.

ب) عنصر مادی:

اجزاء و عناصر تشکیل دهنده و شرایط سازنده توهین که عنصر مادی جرم توهین ساده می باشند، به قرار زیر است:

۱- فعل مادی و هن آور: شرط اول تحقق جرم، انجام عمل مادی و هن آور اعم از شفاهی، کتبی، حضوری، غیابی، به وسیله گفتار، کتابت و تغییر در رفتار و طرز عمل طرف می باشد. لذا آنچه در ماده (۶۰۸) قانون مجازات ذکر شده، از باب تمثیل است و توهین شامل هر نوع توهین شفاهی یا کتبی و عملی خواهد بود که به اعتبار عرف و عادات جامعه و زمان و مکان آن متفاوت و متغیر است. لذا این امر بر عهده مقامات قضایی و دادگاه است که در هر مورد که با چنین دعاوی روبه رو می شوند، عرف و عادات و شخصیت و وضع اجتماعی طرف و زمان و مکان وقوع عمل توهین آمیز را به طور کامل و دقیق بررسی و در حکم خود ذکر نمایند. در انتساب عمل مادی و هن آور، راست یا دروغ بودن نسبتها شرط نیست. موهون شدن واقعی طرف

نیز ضرورت ندارد. عمده این است که گفتار یا رفتار فاعل، بالقوه و با نظر عرف، سبک و وهن آور باشد.

همچنین ممکن است توهین بدون هیچ اسنادی، فقط از طریق از میان بردن احترام طرف مقابل با توجه به شخصیت و سن و سال و جنس و سایر خصوصیات او صورت گیرد.

۲- مشخص بودن طرف توهین: شرط دوم تحقق توهین آن است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم یا تلویح و اشاره متوجه شخص یا اشخاص معین باشد و ذکر کلمه توهین به افراد در ماده (۶۰۸) قانون مجازات اسلامی، به همین منزله است که اهانت باید به شخص معین باشد و نتیجه اینکه در صورتی که شخص نسبت به خود فحاشی کند و مرتکب توهین شود، جرم محسوب نمی شود؛ مگر در مواردی که عمل مخالف، اخلاق حسنه و نظم عمومی باشد.

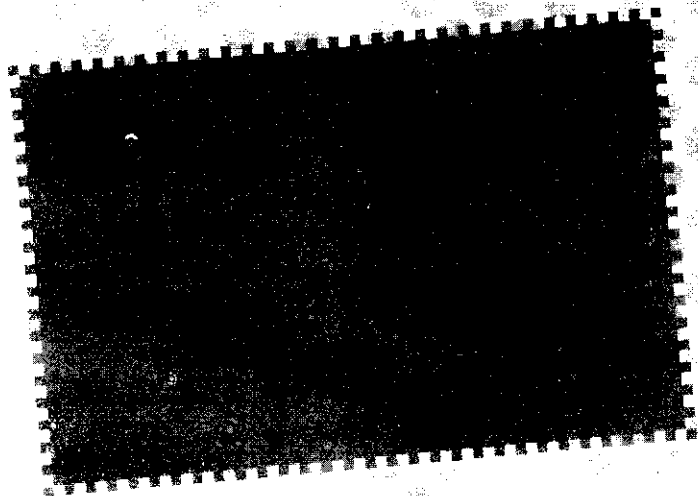
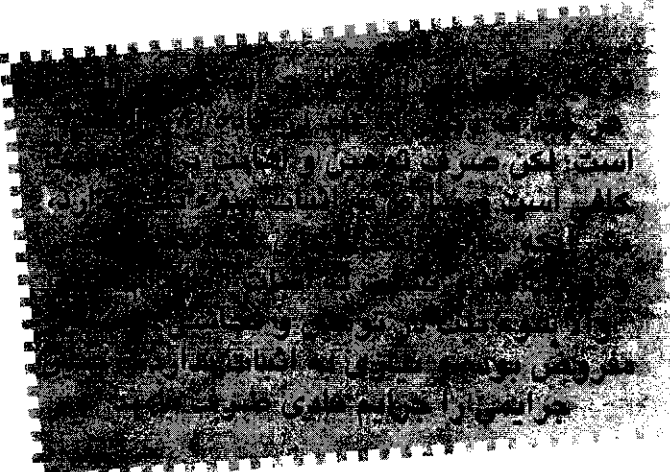
همچنین در مواردی که اشخاص حقوقی عمومی و خصوصی مورد اهانت قرار می گیرند، مشمول این ماده نخواهد بود مگر آنکه در خلال آن توهین مشخص شود که منظور شخص معین مثل مدیر آن مؤسسه یا عضوی از اعضای شخص حقوقی بوده است.^(۱۱)

ج) عنصر معنوی:

توهین و فحاشی از جمله جرایم عمومی است، هر چند که دکوری از عمد در ماده (۶۰۸) نشده است؛ لکن صرف توهین و اهانت برای تعقیب کافی است و نیازی به اثبات سوء نیت ندارد، مگر آنکه خود مرتکب ادعای عدم قصد توهین و اهانت کند و نسبت به اثبات آن اقدام نماید، و الا سوء نیت در توهین و فحاشی همیشه مفروض بوده و نیازی به اثبات ندارد و چنین جرایمی را جرایم مادی صرف نامند؛ چرا که توهین آمیز بودن عمل، کاشف از وجود قصد مجرمانه مفروض مرتکب است و دیگر نیازی به اثبات سوء نیت به وسیله دادگاه ندارد.

د) مجازات:

طبق ماده (۶۰۸) قانون مجازات اسلامی، مجازات مرتکب توهین



ساده تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یا جزای نقدی از پنجاه هزار تا یک میلیون ریال است و موجبات تخفیف این جرم جنبه خصوصی داشته و تعقیب آن منوط به اعلام شکایت از سوی شاکی خصوصی و موقوفی تعقیب و مجازات از مجرم منوط به گذشت شاکی خصوصی است. (به تصریح ماده ۷۲۷ ق.ا.م.)

گفتار دوم: توهین مشدد

در جریان تصویب قانون مجازات اسلامی، قانونگذار در مواد (۵۱۷ و ۶۰۹) موارد تشدید مجازات توهین به اعتبار شخصیت افراد را متذکر شده است، که با توجه به این مواد، عمده ترین توهین مشدد عبارت است از:

۱- توهین به رؤسای سه قوه و سایر مقامات مملکتی و رسمی کشور.

۲- رئیس کشور خارجی یا نمایندگان سیاسی کشورهای خارجی.

۳- توهین از طریق مطبوعات.

بنابراین مشخص می شود که ملاک تشدید مجازات توهین در دو عامل زیر خلاصه می شود:

الف: شخصیت و مقام طرف اهانت

ب: نحوه ارتکاب یا سوء نیت خاص مرتکب

حال پیرامون هر یک از موارد فوق توضیحات مختصری می دهیم:
اول - توهین به روسای سه قوه، معاونان رئیس جمهور، وزرا و سایر مقامات دولتی و عمومی (قضایی، اجرایی و تقنینی)
۱- عنصر قانونی:

ماده (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: "هر کس با توجه به سمت یکی از روسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهور یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه ها و مؤسسات و شرکت های دولتی و شهرداری ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن، توهین نماید؛ به سه تا شش



ماده (۶۰۹) برای اهانت به کسانی که در سمت های مختلف دولتی و وظایفی را انجام می دهند و به آن مناسبت مورد اهانت قرار گیرند تعیین کرده، اشد مجازاتی است که در ماده (۶۰۸) همین قانون برای اهانت به افراد غیر مسئول تعیین نموده است، که در این امر حفظ نظم عمومی و سیاست اداری کشور ملحوظ بوده و حق شخصی و فردی نیست که انصراف آنان از شکایت، تعقیب جزایی را کاملاً موقوف نماید.

دوم: توهین به رئیس کشور خارجی یا نمایندگان سیاسی مملکت خارجی
۱- عنصر قانونی:

ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: "هر کس علناً نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده است توهین نماید، به یک تا سه ماه حبس محکوم می شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود."

تبصره: اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای دولت مربوط یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مجنی علیه یا ولی اوست و در صورت استرداد تقاضا، تعقیب جزایی نیز موقوف خواهد شد.

۲- عنصر مادی:

اولاً: انجام عمل مادی وهن آور اولین شرط تحقق این جرم می باشد. ثانیاً: توهین باید علنی باشد. به کار بردن لفظ علنی در ماده، اعم از معنی عام و خاص آن است و شامل مواردی که ذاتاً علنی می باشد هم می شود، هر چند در آن موقع کسی در آن محل نباشد.

ثالثاً: انجام معامله متقابل. منظور از ذکر و بیان شرط متقابل در ماده (۵۱۷) قانون، این است که در قوانین جزایی آن کشور برای توهین به رئیس مملکت یا نمایندگان سیاسی ایران نیز مجازات پیش بینی شده باشد.

۳- عنصر معنوی:

جرم مذکور در ماده (۵۱۷)، جرم عمدی است؛ همچنین لازم است که مرتکب به شخصیت طرف توهین آگاه باشد. بنابراین، اگر شخص بدون علم و آگاهی به شخصیت طرف و بدون علم به اینکه طرف او رئیس کشور یا نماینده سیاسی کشور خارجی است و به تصور اینکه طرف او شخص عادی است، به او اهانت کند و قرائن و شواهد نیز بیانگر عدم علم وی باشد، عمل مشمول ماده (۵۱۷) نخواهد بود.

۴- مجازات:

وفق ماده (۵۱۷) قانون تعزیرات، مجازات این جرم یک تا سه ماه حبس است؛ لکن به علت غلبه جنبه خصوصی جرم بر جنبه عمومی آن، تعقیب کیفری مرتکب منوط به تقاضای دولت خارجی یا نماینده سیاسی آن کشور است و در صورت مسترد داشتن دعوا،

ماه حبس و یا تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود."

۲- عنصر مادی:

اولاً: باید عمل مادی وهن آور باشد. بنابراین، برای تحقق عنصر مادی این جرم، توهین (ارتکاب عمل مادی وهن آور) از سوی مرتکب به دارنده سمت یا مقام رسمی ضروری است.

ثانیاً: طرف توهین باید دارای سمت یا مقام مملکتی یا رسمی و دولتی باشد. الزاماً طرف توهین باید اشخاص مذکور در ماده (۶۰۹) قانون مزبور باشند و الاً در غیر این صورت، عمل مشمول حکم کلی ماده (۶۰۸) خواهد بود.

ثالثاً: شخص طرف توهین باید در حال انجام وظیفه یا به سبب آن بوده باشد.

نظر به اینکه هدف اصلی مقنن، حمایت از اشخاص مذکور در ماده (۶۰۹) می باشد؛ لذا مقنن با این اقدام خواهان حفظ حرمت و حیثیت دارندگان و صاحبان سمت مملکتی و دولتی است که در حال انجام وظیفه یا به سبب آن مورد اهانت قرار می گیرند، می باشد.

۳- عنصر معنوی:

جرم مذکور در ماده (۶۰۹) قانون تعزیرات، جرم عمدی است؛ لکن مرتکب علاوه بر قصد توهین که وجودش در فعل ارتكابی مفروض است، باید به سمت و مقام و شخصیت طرف آگاهی و معرفت داشته باشد.^(۱۲)

۴- مجازات:

در ماده (۶۰۹)، مقنن برای مرتکب چنین جرمی سه تا شش ماه حبس و یا تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی در نظر گرفته است، که در ماده (۶۰۸)، مجازات حبس پیش بینی نشده است. بنابراین، کیفری که مقنن در

تعقیب و مجازات موقوف خواهد ماند. (تبصره همان ماده)

تکمله. توهین به اعتبار نحوه ارتکاب یا سوء نیت خاص مرتکب: در بعضی موارد، نحوه ارتکاب هتک حرمت یا سوء نیت خاص متهم موجب تشدید مجازات و حتی قلب ماهیت جرم می شود؛ که اهم آن عبارت است از:

اول - توهین به وسیله مطبوعات:

هتک حرمت اشخاص از طریق روزنامه یا مجله یا تهیه مقالات و مطالب توهین آمیز به صورت افترا یا اشاعه اکاذیب به علت وسعت نشر و انتشار خاص آن موجب تشدید مجازات مرتکب و مدیر روزنامه و مجله است.

برابر ماده (۱) قانون مطبوعات مصوب ۶۴/۱۲/۲۲، مراد از مطبوعات نشریاتی است که به طور منظم با نام ثابت، تاریخ، شماره و ردیف در زمینه های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دین، علمی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می شوند.

ماده (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، مقرر می دارد: "هر گاه در نشریه ای به رهبر یا شورای رهبری و یا مرجع مسلم تقلید اهانت شود،^(۱۳) پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهد شد." و برابر تبصره آن ماده، رسیدگی به جرایم موضوع مواد (۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷) تابع شکایت مدعی خصوصی نیست. به موجب ماده (۵۱۴) قانون مجازات اسلامی: "هر کس به حضرت امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی رضوان... تعالی علیه و مقام معظم رهبری به نحوی از انجا اهانت نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد."

همچنین برابر ماده (۲۶) قانون مزبور، هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نیانجامد، طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.



دوم - هجو اشخاص:

ماده (۷۰۰) قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: "هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید، به حبس از یک تا شش ماه محکوم می شود." هجو در لغت به معنی دشنام دادن، بدگویی کردن و بدی کسی را گفتن آمده است.^(۱۴) همچنین به معنی بر شمردن معایب دیگران نیز آمده است. از نظر اصطلاحی عبارت است از ذکر معایب واقعی یا غیر واقعی دیگری به صورت کلام موزون یا غیر منظوم که هتک حرمت مخاطب را فراهم نماید.^(۱۵)

۱. **عنصر قانونی:** عنصر قانونی جرم، ماده (۷۰۰) قانون مجازات اسلامی است.

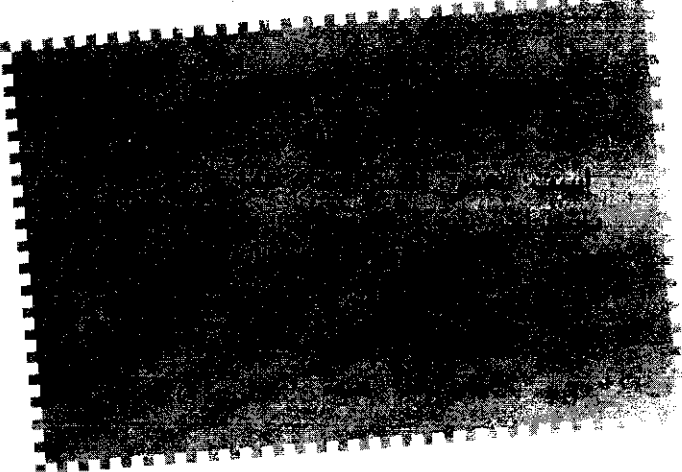
۲. **عنصر مادی:** عنصر مادی جرم، فعل مثبت می باشد که این فعل بر حسب مفاد ماده (۷۰۰) مقید بر این است که به صورت نظم یا نثر کسی را هجو کند؛ یعنی، برای تحقق جرم ضروری است که مرتکب با سرودن کلام موزون با قافیه از طریق ترتیب دادن و آراستن سخن، معایب واقعی یا غیر واقعی دیگری را به رشته تحریر درآورد. و یا آن که سروده وهن آور خود را شفاهاً در حضور عده ای قرائت کند یا آن نوشته را منتشر سازد.

۳. **عنصر معنوی:** جرم هجو از جمله جرایم عمدی است و عمد مرتکب در ارتکاب عمل ضروری است؛ یعنی، قصد انجام عمل را داشته باشد. لکن سوء نیت خاص یا همان قصد اضرار به طرف مقابل شرط نیست. پس با احراز عمد عام از ناحیه مرتکب جرم محقق خواهد شد.

۴. **مجازات:** مجازات جرم مذکور یک تا شش ماه حبس است.

سوم: توهین به بانوان و اطفال

با توجه به اینکه توهین با عنوان، خارج از حکم کلی و عام توهین به اشخاص نمی باشد، ولی در صورتی که مقرون به شرایط خاص مذکور در ماده (۳) قانون حمل چاقو (مصوب ۱۳۳۶) و ماده



(۶۱۹) ق.م.ا. باشد، دارای مجازات خاص خود است.

۱- عنصر قانونی:

به موجب ماده (۳) لایحه قانونی مجازات حمل چاقو: "هر کس در اماکن عمومی و یا معابر، متعرض و یا مزاحم زنی بشود و یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به او توهین نماید، به حبس تأدیبی از دو ماه تا هشت ماه محکوم خواهد شد."

البته به موجب ماده (۶۱۹) قانون مجازات اسلامی، که در حال حاضر حاکم بر موضوع مانحن فیه است: "هر کس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان شود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید، به حبس از دو تا شش ماه و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهد شد."

۲. عنصر مادی:

عمل توهین آمیز. این عمل ممکن است به صورت تعرض یا مزاحمت متظاهر شود یا به وسیله الفاظ یا حرکات توهین آمیز انجام پذیرد که در خصوص ادای الفاظ و یا انجام حرکات، رعایت شرط مخالف با شئون حیثیت زن یا طفل طرف جرم ضروری است. منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد (تبصره یک ماده ۴۹۹ ق.م.ا).

محل توهین: توهین یا تعرض باید در اماکن عمومی یا معابر عمومی انجام پذیرد.

۳. عنصر معنوی:

جرم توهین به زنان از جمله جرایم عمدی است که شرط تحقق آن وجود قصد تعرض و مزاحمت در فعل توهین آمیز مفروض است و صرف انجام عمل تعرض و مزاحمت موجب تحقق جرم می شود.

۴. مجازات:

مجازات جرم مذکور حبس از دو تا شش ماه و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق می باشد.

مبحث سوم: جهات اشتراک و افتراق توهین با افترا

گفتار اول (جهت اشتراک):

(۱) در رکن مادی جرم افترا و توهین عملیات اجرایی جهت تحقق هر دو جرم به صورت فعل مثبت مادی می باشد. بنابراین ترک فعل نمی تواند عنصر تحقق جرم واقع شود.

(۲) جرم توهین و افترا از جمله جرایم علیه شخصیت معنوی و روانی اشخاص بوده و در تقسیم بندی حقوقی، آنها را در زمره جرایم علیه حیثیت و شرافت اشخاص قرار می دهیم؛ چرا که تحقق این دو جرم موجب هتک حرمت شخص به وسیله رفتار مجرم اعم از فعل، گفتار و نوشتار و غیره می شود.

(۳) از لحاظ عنصر روانی جرم؛ در هر دو، سوء نیت عام، یعنی قصد انجام عمل ضروری و لازم است.

(۴) جرم توهین و افترا از جمله جرایمی هستند که جنبه خصوصی

آنها بر جنبه عمومی غلبه دارد. بنابراین، در چنین جرایمی تعقیب مرتکب بستگی به شکایت شاکی خصوصی دارد و تعقیب و مجازات مجرم ممکن نیست مگر به خواست مجنی علیه و در مواردی که چنین جرایمی علیه مأمورین و مقامهای دولتی ارتکاب یابد، جنبه عمومی آن بر جنبه خصوصی غلبه خواهد یافت و دیگر نیازی به شکایت شاکی خصوصی ندارد.

(۵) حقوق ناشی از هر دو جرم به ارث می رسد. در صورتی که متضرر از جرم (شاکی) حق خود را استیفا یا عفو نکرده باشد، حق مزبور به ارث خواهد رسید. وفق تبصره ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی، حق گذشت در چنین مواردی به وارث قانونی متضرر از جرم منتقل و در صورت گذشت همه وراث، تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می گردد.

(۶) نظر به اینکه در هر دو جرم جنبه حق الناسی آنها غلبه دارد، پس تعقیب مرتکب منوط به تقاضای شاکی خصوصی است.

گفتار دوم (جهت افتراق):

(۱) از حیث عنصر قانونی: عنصر قانونی جرم افترا، ماده (۶۰۸) قانون مجازات اسلامی می باشد. در حالی که عنصر قانونی جرم توهین بر حسب ساده یا مشدد بودن "به اعتبار شخصیت طرف یا نحوه ارتکاب یا سوء نیت خاص توهین کننده" متفاوت است، که شامل مواد (۵۱۴، ۶۱۹، ۵۱۷، ۶۰۹، ۶۹۷) قانون مجازات اسلامی و مواد (۲۳، ۲۶، ۲۷ و ۲۸) قانون مطبوعات و بند های "۸ و ۷" ماده (۶) آن است.

(۲) از حیث عنصر مادی:

الف: با مقایسه مواد (۶۹۷ و ۶۰۸) قانون مجازات اسلامی، هر چند که رکن اصلی تحقق عنصر مادی هر دو جرم، فعل مثبت می باشد؛ لیکن، اولاً: عمل انتسابی در ماده (۶۹۷) حسب صریح ماده باید جرم باشد در غیر این صورت، در صورتی که عمل انتسابی جرم نباشد، جرم مذکور تحقق پیدا نخواهد کرد. در حالی که آنچه در ماده (۶۰۸) نسبت داده می شود، الزاماً نیاز به جرم بودن ندارد، بلکه وهن آور بودن آن برای تحقق جرم کفایت می کند. ثانیاً: امر انتسابی در ماده (۶۹۷) حسب اعلام ماده باید دارای صراحت باشد، و لیکن در ماده (۶۰۸) ذکری از صراحت یا عدم صراحت توهین نشده است. بنابراین عملی که صراحتاً هم نسبت داده نشده مشمول ماده می گردد، به طوری که هر نوع رفتار خلاف اخلاق حسنه و نزاکت اجتماعی، توهین محسوب می گردد. یا حتی بعضی از ترک فعلها نیز مشمول ماده می گردد.

ب: توهین غالباً به وسیله الفاظ و گفتار و کردار و حرکات ریکیک واقع می شود و این قبیل اعمال تمثیلی است و تشخیص آن با عرف

است. در صورتی که افترا با استفاده از وسایل خاصی نظیر اوراق چاپی یا خطی، نشریات و امثال آن صورت می گیرد و اعمالی که افترا محسوب می شود در قانون به عنوان عمل مجرمانه مطرح می باشد. ج: توهین، بویژه فحاشی از جرایم مادی صرف است و تحقق آن موکول به اثبات قصد مجرمانه نیست؛ چرا که در توهین و فحاشی همواره قصد مجرمانه مفروض است و نیازی به اثبات ندارد؛ به این دلیل که نوع و ماهیت الفاظ و اعمال توهین آمیز کاشف از وجود قصد مجرمانه است، ولی در افترا تحقق قصد مجرمانه شرط اصلی وقوع جرم است.

د: توهین اساساً به صورت حضوری انجام می گیرد و موارد غیابی آن نادر است. در حالی که افترا غالباً بدون حضور طرف صورت می گیرد و اگر به صورت شفاهی باشد لازم است که در مجمع و با حضور جمعی و صریحاً به کسی نسبت داده شود، لکن در صورتی که عناوین موهن باشد هر چند غیر صریح، توهین تلقی خواهد شد. برای تحقق توهین ممکن است نسبت دادن اعمال مخالف حیثیت به دیگری به طور مستقیم ساخته و پرداخته فکر شخص نسبت دهنده باشد و اینکه به صورت نقل قول و شایعات باشد؛ در حالی که در موارد افترا، شخص مستقیماً اقدام به انتساب می کند و همه چیز ساخته و پرداخته فکر مرتکب است.

۳) از جهت عنصر معنوی:

در افترا، به استناد ماده (۶۹۷)، عبارت "... مشروط بر اینکه نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید..." بیانگر این است که سوء نیت باید احراز شود؛ و لیکن در توهین، نظر به اینکه جرم مذکور از جمله جرایم مادی صرف می باشد نیازی به اثبات سوء نیت نمی باشد و سوء نیت لازم برای تحقق جرم در عمل ارتكابی مفروض است. برای مثال اگر کسی به شخص دیگری نسبت سرقت را بدهد زمانی جرم افترا تحقق پیدا می کند که نسبت دهنده نتواند در مراجع قضایی عمل انتسابی را به اثبات برساند، در حالی که در توهین، صرف زشت و زننده بودن و وهن آور بودن الفاظ و نوشته موجب تحقق جرم می شود.

نتیجه بحث:

با توجه به قوانین جاریه، مقنن جنبه حق الناس و خصوصی بودن جرم را مرجح و این جرم را قابل گذشت دانسته است، به طوری که تعقیب و مجازات مفتری نیاز به مطالبه مفتری علیه یا ورثه او دارد. بنابراین، ضروری است برای حفظ حیثیت و شرافت افراد جامعه و جلوگیری از شیوع چنین جرایمی در جامعه و حفظ نظم عمومی مقنن با اصلاح قوانین مربوط نسبت به جنبه عمومی جرم اهمیت بیشتری بدهد.

قانونگذار با ذکر وسایل ارتکاب جرم در ماده (۶۹۷) قانون مجازات



اسلامی، باعث حصری شدن وسایل ارتکاب جرم گردیده است. بنابراین، نظر به پیشرفت صنعت و تکنولوژی در جوامع و پیدایش وسایل و طرق جدید ارتکاب جرم، بایستی وسایل انتساب به صورت تمثیلی توسط مقنن ذکر شود تا در صورتی که کسی با وسایل دیگری به غیر از موارد مذکور در قانون، مرتکب جرم افترا گردید، قابل تعقیب باشد.

همچنین مجازات تعیین شده در قانون، یعنی "هفتاد و چهار ضربه شلاق یا جزای نقدی از پنجاه هزار تا یک میلیون ریال" برای ارتکاب چنین جرمی کافی به نظر نمی رسد؛ چرا که دادگاه رسیدگی کننده می تواند تنها یک ضربه شلاق یا حتی به زیر مبلغ پنجاه هزار ریال برای مفتری مجازات تعیین نماید که این میزان مجازات برای مرتکب چنین عملی کافی به نظر نمی رسد.

پی نوشت ها:

- ۱- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۱۸۲.
- ۲- معین، دکتر محمد فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۱۷۱.
- ۳- سوره نساء، آیه ۱۴۸.
- ۴- محمدبن حسن، (حر عاملی)، باب ۲۵۸ از ابواب احکام العشره، حدیث ۳ از کتاب حج.
- ۵- روح... خمینی (ره)؛ تحریر الوسیله، جلد ۲، ص ۴۷۳.
- ۶- محقق حلی، شرایع الاسلام، کتاب حدود، باب سوم، حدقذف.
- ۷- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳، ص ۴۰۶.
- ۸- شمس الدین محمد (شهید اول)، شرح لمعه، کتاب الحدود، حد قذف، صص ۱۷۳ و ۱۷۱.
- ۹- ماده (۵۱۳) قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرر می دارد: "هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم سباب النبئی باشد، اعدام می شود و در غیر این صورت، به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد".
- ۱۰- رأی شماره ۱۷۸۳، مورخ ۱۳۳۶/۴/۳۱، شعبه سوم دیوان عالی کشور.
- ۱۱- رأی شماره ۱۳۲۴، مورخ ۱۳۳۴/۸/۱۶، شعبه دوم دیوان عالی کشور.
- ۱۲- اگر متهم در محضر دادگاه منکر شناسایی مأمور آگاهی (شاکلی) شده و شاکلی مأمور خفیه آگاهی باشد، چون اصل بر عدم شناسایی او از طرف اشخاص می باشد و شاکلی هنگام برخورد با متهم خود را معرفی نکند و هیچگونه اظهاری در این مورد بیان ننماید، نمی توان مورد را با ماده (۲۸۷) منطق دانست.
- رأی شماره ۱۲۹، مورخ ۱۳۴۱/۱/۲۱، هیئت عمومی دیوان عالی کشور.
- ۱۳- به ماده (۵۱۳) قانون مجازات اسلامی مراجعه فرمایید.
- ۱۴- معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی، ج ۴، ص ۵۱۰۵.
- ۱۵- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۷۶۲.